



پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان

علمی - پژوهشی

سال هفتم، شماره‌ی ۱۴، نیمه‌ی دوم ۱۳۹۱

بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال

پرویز سعیدی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱/۱۸

چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال استان گلستان است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، از دو روش توصیفی-پیمایشی و از طریق تحلیل رگرسیون و مدل پانل دیتا^۱ (P. D) به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، اعتبارات پرداختی همه‌ی بانک‌های فعال طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۵ که شامل ۱۱ بانک تجاری و تخصصی می‌باشد. برای گردآوری و بررسی اطلاعات، اسناد و مدارک و صورت‌های مالی سالانه‌ی بانک‌های تجاری و تخصصی استخراج و مورد استفاده قرار گرفته است.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد که نیروی کار در رشد اقتصادی استان بالاترین نقش را ایفا می‌کند و مطابق انتظارات نظری مثبت است. و اعتبارات تکلیفی بر اشتغال استان تأثیر کمی داشته، ولی اعتبارات غیرتکلیفی نقش مثبت و بیشتری بر اشتغال در استان داشته است.

واژه‌های کلیدی: اعتبارات بانکی، اشتغال، رشد اقتصادی، اعتبارات تکلیفی،

اعتبارات غیرتکلیفی

طبقه بندی JEL: E24-E51-E58

* استادیار گروه مدیریت و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول

(Dr.parviz saeedi@yahoo.com)

1-Panel Data

مقدمه

وجود مزاد تقاضای اعتبارات بانکی نسبت به عرضه در کشور، به دلیل پایین بودن نرخ بهره ی تسهیلات نسبت به نرخ تورم، سبب شده است اعتبارات به گونه ای جیره بندی شوند و دولت به لحاظ مالکیتش بر سیستم بانکی با وضع مقررات سهمیه بندی شده، اعتبارات را بین بخش های مختلف اقتصادی تقسیم کند. اعتبارات تخصیص یافته به بخش های مختلف اقتصادی، در راستای اهداف کلان اقتصادی دولت برای رشد بخش های اقتصادی است، بدیهی است که اگر این اعتبارات به صورت بهینه به مصرف رسند به رشد ارزش افزوده منجر خواهد شد. در غیر این صورت اعطای تسهیلات بانکی از مسیравلی خود منحرف و به عدم تخصیص بهینه ی منابع اقتصادی منجر می شود. بی کاری و اشتغال ناقص، یکی از بزرگ ترین مشکلاتی است که اقتصادهای مختلف با آن روبه رو هستند و بدون استثنا یکی از اهداف و اولویت های هر دولتی، از بین بردن و حتی الامکان کاهش و تخفیف شدت این معضل اقتصادی است. برای کاهش بی کاری و ایجاد فرصت های شغلی مورد نیاز، نیازمند حجم قابل توجهی از منابع مالی هستیم و یکی از راه های برون رفت از آن، گسترش اشتغال از طریق افزایش آگاهانه ی سرمایه گذاری ها و تسهیلات سیستم بانکی در فعالیت های اقتصادی کارآمد است.

اعطای اعتبارات، بخش مهمی از عملیات هر بانک را تشکیل می دهد و از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت است. بانک ها با عملیات اعتباری خود امکان انتقال منابع از اشخاصی که مستقیماً مایل و یا قادر به مشارکت در فعالیت های اقتصادی هستند، را به افرادی که جهت انجام امور اقتصادی نیازمند به منابع مالی هستند، فراهم می کنند و باعث تسهیل فعالیت های اقتصادی، افزایش سرمایه گذاری ها، تولید و اشتغال می شوند. به عبارت دیگر بانک ها به کمک سیاست های اعتباری و مالی خود می توانند وسایل رشد و توسعه ی اقتصادی و یا برعکس با عدم اعطای وام موجبات توقف و رکود اقتصادی را در کشور فراهم آورند. در مقطع کنونی توسعه ی کشور، به نقش و عملکرد سیستم بانکی در ایجاد اشتغال و ظرفیت تولیدی جدید ایرادات و انتقادات جدی وارد شده است. این تحقیق، چالشی است برای پاسخ به این سؤال که سیستم بانکی یا بخش مالی اقتصاد در استان چه اندازه با اعطای تسهیلات بانکی در ایجاد اشتغال مؤثر بوده است؟ گرچه به جهت وجود تفاوت در رفتارهای اقتصادی بخش های مختلف، مطالعه ی

مجزای هربخش اقتصادی می تواند راه گشای مناسبی برای شناخت میزان اثربخشی اعتبارات بانکی استان بر متغیرهای کمی، به ویژه اشتغال باشد. دراین مقاله، ابتدا به مبانی نظری اشتغال و اعتبارات و سپس به بررسی پژوهش های انجام یافته در ایران و خارج (بین الملل)، و در بخش آخر مقاله، به تجزیه و تحلیل نتایج و پیشنهادهای پرداخته می شود.

مبانی نظری

نظام بانکی یکی از بخش های مهم اقتصادی است. بانک ها با سازمان دهی منابع مازاد نقدی مردم و تجهیز و هدایت پس اندازها و سپرده های آن ها به اشخاص حقیقی و حقوقی که با کمبود وجوه نقد مواجه اند نقشی مهم در رشد اقتصادی، رشد تولید، سرمایه گذاری و اشتغال به عهده دارند و مبادلات تجاری و بازرگانی را تسهیل می کنند. هر قدر نظام بانکی پیشرفته تر عمل کند بازارهای مالی توسعه می یابند و در نتیجه رشد اقتصادی را موجب می شوند.

سیستم مالی یکی از مهم ترین اجزای هر اقتصادی شمرده می شود. سیستم مالی شامل شبکه ای از بازارهای مالی، مؤسسات، شرکت های تجاری و تولیدی، خانوارها و دولت هستند که در آن سیستم مشارکت دارند و عملیات آن سیستم را تنظیم می کنند. مؤسسات مالی و پولی به عنوان واسطه به مردم و شرکت ها خدمات ارائه می دهند. دراین جهت، حجم اعتبارات بانکی از جمله متغیرهایی است که در دو دهه ی گذشته از رشد قابل توجهی برخوردار شده است. و همواره بحث و تبادل نظر پیرامون این موضوع بین سیاست گذاران دولتی و منتقدان آن وجود داشته است؛ به طوری که با مطرح شدن بخش های اقتصادی و تفکیک متغیر اعتبارات بانکی بین بخش های کشاورزی، خدمات، صنعت، اشتغال و موضوع مهم تر به نظر می رسد و اهمیت بحث پیرامون آن دوچندان شده است؛ زیرا با این تفکیک، مسأله ی به کارگیری اعتبارات بانکی درسطح تولید، مطرح و دو بخش مولد و غیرمولد در مقابل هم ظاهر می شوند.

کارمشرک زیل کریست، گرتلر وبرنانکه^۱ (۱۹۹۶) بیان می کند که میزان تسهیلات و اعتبار قابل ارائه از سوی بانک ها، فارغ از نوع ساختار رقابتی که بانک درآن مشغول به فعالیت هستند، به ویژگی های درونی بانک برمی گردد؛ از جمله ی مهم ترین این

1-Gilchrist and Gertler and Bernanke

ویژگی ها وابستگی بانک ها به ثروت خالص (حقوق صاحبان سهام) است. بر همین مبنا، اگر تغییرات شوک ماندنی به ثروت بانک ها وارد آید، بی درنگ بر میزان اعتبارات قابل ارائه اثر خواهد گذاشت و به تبع آن بر روی رشد آن ها اثر منفی خواهد گذاشت. بانک ها در دو گونه فعالیت برای اعطای اعتبارات شرکت می کنند: یکی بر مبنای ارتباط^۱ و دیگری بر مبنای تراکنش^۲. در وام دهی بر مبنای ارتباط، بانک مبادرت به تولید و کسب مهارت و اطلاعات مربوط به زیربخش صنعت مورد علاقه و سپس ایجاد رابطه با بنگاه های متقاضی تسهیلات می کند. این روش برای بانک تولید هزینه می کند؛ اما در ازای این هزینه امکان استفاده از اطلاعاتی که طی مسیر ایجاد شده است، برای سیستم مهیا می شود.

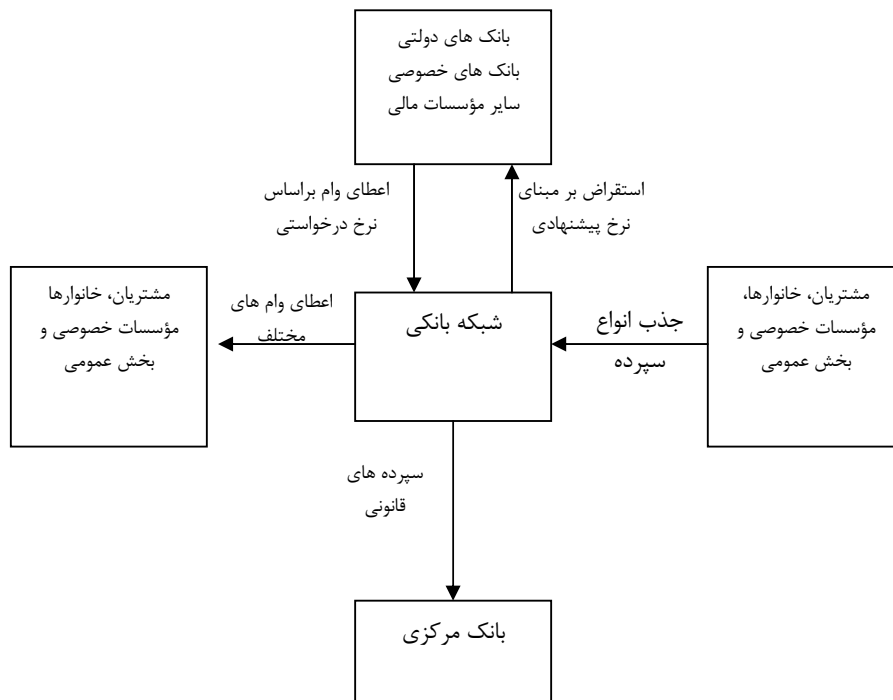
در نقطه ی مقابل این روش، وام دهی بر مبنای تراکنش مطرح است. در این روش، تخصیص اعتبار تنها بر مبنای اطلاعات موجود و فایل مشاهده در مورد شرکت و نه بر مبنای رابطه ی ایجاد شده، صورت می پذیرد.

به طور کلی مؤسسات مالی در ایران شامل بانک های تجاری، مؤسسات بیمه، صندوق های قرض الحسنه ی پس انداز، صندوق بازنشستگی و ... هستند. این مؤسسات به عنوان واسطه های مالی، امکان انتقال پس اندازها را از پس انداز کنندگان به وام گیرندگان فراهم می کنند. بنابراین، بخش مهمی از پس اندازهای جامعه از طریق بانک ها و مؤسسات مالی هدایت می شوند. وام هایی که بانک ها و مؤسسات مالی در اختیار خانوارها، مؤسسات و دولت قرار می دهند، پس از کسب درآمد آن ها، مهم ترین منبع تأمین مالی جامعه برای خرید کالا و خدمات مصرفی و تأمین مالی خرید کالاهای سرمایه ای هستند. سرمایه گذاری نیز بهره وری منابع جامعه و استان را افزایش می دهد و باعث می شود شهروندان یک جامعه از سطح زندگی بالاتری برخوردار باشند. بنابراین، ضروری است که این شبکه از کارایی لازم برخوردار باشد تا بتواند با افزایش کارآمدی خود نقش و سهم بیش تری در رشد و توسعه ی استان داشته باشد.

در این خصوص جریان منابع مالی در سیستم بانکی در نمودار شماره ی یک آمده است.

نمودار شماره ی یک - جریان منابع مالی در سیستم بانکی

Dermine, Jean(2002)



با توجه به نمودار شماره ی یک، از آن جایی که مهم ترین رسالت سیستم بانکی، جمع آوری وجوه به خصوص وجوه سرگردان و راکد در جامعه و تخصیص آن ها به فعالیت های پر بازده و مولد است؛ افزایش حجم سپرده ها یکی از معیارهای اساسی ارزیابی عملکرد مناسب هر بانک است. از سوی دیگر، درآمدهای بانک به تأمین سرمایه ی آن کمک می کند و در جذب سرمایه، سرمایه گذاران جدید برای یک مؤسسه ی در حال گسترش نقش به سزایی دارد. درآمد بانک و مؤسسات مالی هم نشانه ی کارایی مدیریت و هم به منزله ی معیار سنجش اثرات سیاست های اقتصادی کلان بر مؤسسات بانکی محسوب می شود (پارلتوپ کریسنوفر: ۳).

بانک ها به عنوان تولیدکننده ی اعتبارات، مشابه بنگاه های اقتصادی عمل می کنند. آن ها نیز به دنبال کسب حداکثر سود، مقدار نهاده ها و ستاده های خود را

تعیین می کنند. نهاده ی بانک، سپرده ی مردم و بخشی نیز سرمایه ی اولیه ی بانک است. ستاده ی آن ها شامل اعتبارات و یا به اصطلاح بانکی، تسهیلاتی است که به قیمتی که نرخ بهره است به فروش می رسد یا در روش بانکداری بدون ربا از طریق قراردادهای مختلف در اختیار سرمایه گذاران قرار می گیرد.

فرض کنید که یک بانک، چند نوع اعتبار عرضه کرده و انواع سپرده را پذیرفته است؛ شکل تابع تولید چنین بنگاه مالی به طور ضمنی می تواند به صورت زیر باشد.

تابع هدف و عملکرد بانک ها

$$(1) F(L_j, \dots, L_n, D_1, \dots, D_k) = 0$$

در این جا

L_j = ستاده ها یا اعتبارات (تسهیلات)

$j = 1, \dots, m$

D_k = نهاده ها یا سپرده ی مردم

$k = 1, \dots, M$

مروری بر مطالعات انجام شده

الف - مطالعات انجام شده در ایران

در پژوهش احمد مجتهد و همکاران (۱۳۸۲: ۱۶۳-۱۷۴) تحت عنوان «نقش و جایگاه شبکه ی بانکی در توسعه ی استان تهران» انجام شد. در این پژوهش تغییر سالانه ی ارزش افزوده به قیمت ثابت به عنوان یک متغیر وابسته و سرمایه گذاری بخش خصوصی به قیمت ثابت (سال ۱۳۷۶) و تغییر در مانده ی اعتبارات جاری به قیمت ثابت و تغییرات اشتغال به عنوان متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون چندگانه تعریف شد. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیرهای سرمایه گذاری و متغیر اشتغال، رابطه ی معنی داری با ارزش افزوده نداشتند. ضمناً مقدار عرض از مبدأ مدل آن ها نیز معنی دار نبود. ضریب تغییرات اشتغال منفی بود و این خلاف انتظارات تئوریک است.

در تحقیقی که بختیاری و پاسبان (۱۳۸۲: ۱۰۵-۷۳) با عنوان «نقش اعتبارات بانکی در توسعه ی فرصت های شغلی» انجام داده اند با استفاده از بررسی های زمانی و مدل های اقتصادسنجی نشان داده اند که اعتبارات بانک کشاورزی در کوتاه

مدت بر اشتغال و در بلندمدت بر سرمایه گذاری تأثیر مثبت داشته است. بنابراین، حداقل در کوتاه مدت می توان با به کارگیری اعتبارات بانکی فرصت های شغلی در بخش کشاورزی را افزایش می دهد.

در تحقیقی تحت عنوان «بررسی آثار تسهیلات بانکی بر متغیرهای کلان اقتصادی در استان زنجان» که حمیدی (۱۳۷۹: ۳۳۰-۳۳۸) برای پژوهشکده ی اموراتصادی انجام داده است به این نتیجه رسید که بین تسهیلات پرداختی و رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) استان زنجان رابطه ی مثبتی وجود دارد.

مهدوی (۱۳۸۱) در مطالعه ای که با عنوان «بررسی و تحلیل نحوه ی اعطای تسهیلات در نظام بانکی» انجام داد، با استفاده از روش کتابخانه ای به ارزیابی عملکرد بانک های تخصصی، تجاری و مرکزی پرداخته است. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می دهد، همواره عملکرد بانک ها در اعطای تسهیلات به بخش های اقتصادی، بیشتر از سقف های تعیین شده (مصوب شورای پول و اعتبار) بوده است و استفاده از ابزارهای سیاست های پولی در تعیین میزان و نحوه ی اعطای تسهیلات کارایی اندکی داشته است. هم چنین بیش تر فعالیت بانک ها روی بخش های اقتصادی متمرکز است که سودآوری بیش تری دارند؛ به طوری که در طول این دهه بانک ها بیش تر تمایل داشته اند در بخش خدمات و بازرگانی سرمایه گذاری کنند و دلیل این امر «بالا بودن نرخ سود در بخش بازرگانی و خدمات» و «کوتاه مدت بودن این گونه اعتبارات به طوری که پس از مدت کوتاهی تسهیلات فوق به همراه سود قابل برگشت است» می باشد.

چیزی و زارع (۱۳۷۹: ۶۹-۹۲) به «بررسی آثار اعتبارات تخصیص یافته به بخش کشاورزی استان مازندران» از سوی بانک های ملی و کشاورزی پرداختند. هدف آنان دریافت تأثیر اعتبارات اعطایی بانک های کشاورزی و ملی بر تولیدات محصولات کشاورزی منطقه ی مازندران و مقایسه ی آن ها با یک دیگر و هم چنین تناسب ویژگی های فردی اعتبارگیرندگان در منطقه است و مقایسه ی رگرسیون و ام گیرندگان از بانک ملی و کشاورزی نیز نشان دهنده ی تأثیر اعتبارات اعطایی بانک ها بر میزان تولید آن هاست که تفاوت معنی داری با یک دیگر نداشته است.

احمد قربانی (۱۳۸۲: ۱-۱۳) پژوهشی با عنوان «برآورد اثر اعتبارات بانکی و بودجه ی دولتی بر تولیدات بخش کشاورزی» انجام داد. هدف پژوهش، تعیین میزان تسهیلات بانکی و میزان بودجه ی عمومی مورد نیاز برای بخش کشاورزی بوده است. برای سنجش این هدف، از مدل تابع تولید با جایگزینی متغیرهای اعتبارات بانکی و بودجه ی عمومی دولت به جای متغیر سرمایه استفاده شده است. در این پژوهش، از ضریب متغیر مانده ی اعتبارات بانکی (به عنوان جانشین سرمایه در تابع تولید) به بخش کشاورزی ۱/۵۷، اعتبارات بخش آب ۲/۵۷ است. با توجه به این که دو رقم مثبت و بزرگ تر از یک است، او نتیجه گیری می کند که با افزایش مانده ی اعتبارات بانکی (عامل سرمایه) و افزایش اعتبارات عمرانی آب محصولات بخش کشاورزی به مقدار بیش تری افزایش می یابد.

رضویان (۱۳۸۳: ۱۳-۳۶) در پژوهشی با عنوان «عملکرد بخش های مختلف اقتصاد ایران در تولید اشتغال» آورده است که مهم ترین عامل پیشروی برنامه ی چهارم اقتصادی کشور بی کاری و مشکلات ناشی از آن است که برنامه ریزان در مواجهه با این مشکل و یافتن راه کارهای مناسب برای کاهش آن می کوشند. هر چند آمارهای موجود در مورد بی کاری، از رقم سه میلیون تا هفت میلیون و گاه نیز به ارقامی بسیار فزون تر - آن گاه که اشتغال مولد مورد نظر است- در نوسان است، آن چه به طور قاطع می توان بر آن تکیه کرد، نتایج سرشماری های رسمی کشور است که مبنای برنامه ریزی های علمی خواهد بود. با این که تعداد شاغلان طی سال های پس از انقلاب رشد چشمگیری داشته است، افزایش فرصت های شغلی در بخش های مختلف اقتصاد همگون نبوده است. او ادعا می کند در یک دوره ی بیست ساله، بخش کشاورزی ۱۳/۳ درصد، بخش صنعت ۵۰ درصد، بخش ساختمان ۳۸/۸ درصد و بخش خدمات نیز ۱۳۷ درصد رشد داشته است. این عدم همخوانی در رشد کلان بخش های اقتصادی در کنار سایر عوامل، در حال حاضر به گسترش عامل عدم اشتغال و افزایش ۷۰۰ هزار نفر به گروه بی کاران در سال انجامیده است. بنابراین، نتیجه می گیرد که ارزیابی عملکرد بخش های مختلف اقتصاد در تولید اشتغال در سال های گذشته زیربنای برنامه ریزی های آتی در جهت رفع مشکل بی کاری و فراهم کردن امکانات اشتغال محسوب می گردد. در

ایران، دولت نقش عمده ای در ایجاد زمینه های اشتغال دارد و بخش غیردولتی سهم چشمگیری در این مسأله نداشته است.

در پژوهشی با عنوان «اثرات اعتبارات بانک کشاورزی بر متغیرهای کلان بخش کشاورزی» که توسط نصایبان و خلیج (۱۳۸۳: ۳۷-۵۵) انجام شده است، آن ها اثر اعتبارات بانک کشاورزی را بر دو متغیر کلان بخش کشاورزی، شامل ارزش افزوده و سرمایه گذاری، طی دوره ی ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۹ با استفاده از ارزش یوهانسون و مدل VAR مورد بررسی قرار دادند. نتیجه ی حاصل از تحقیق نشان می دهد که اعتبارات بانک کشاورزی، ارتباط بلندمدتی با دو متغیر ارزش افزوده و سرمایه گذاری بخش کشاورزی ندارد.

هم چنین صادقی و سپهر دوست (۱۳۸۱: ۳۱)، تحقیق خود را تحت عنوان «آثار سیاست های دولت در زمینه ی اعتباراتی - تسهیلاتی و ارزی» بر بهره وری نیروی کار در صنایع روستایی سیستان و بلوچستان به انجام رساندند. در این تحقیق، تأثیر بعضی از سیاست های اقتصادی دولت بر بهره وری نیروی کار و صنایع روستایی مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا در سطح خرد، با استفاده از تحلیل تابع تولید، یک تابع کاب-داگلاس برآورده شده و براساس آن بهره وری جزئی عوامل در هر گروه از صنایع به بحث گذاشته شده است و سپس، در سطح کلان اثر سیاست های دولت، اعم از سیاست های ارزی، پولی و سیاست های عمرانی با بهره گیری از مدل پانل دیتا، مورد بحث قرار گرفته است. در این تحقیق نشان داده می شود که در دو بخش، یک بازده کاهنده نسبت به مقیاس وجود دارد و در همین دو بخش، یعنی صنایع کانی غیرفلزی و صنایع فلزی اثر تسهیلات اعطایی بانک ها بر بهره وری منفی است. به عبارت دیگر، به علت بازده کاهنده، افزایش تسهیلات اعطایی که به صورت سرمایه ی در گردش عمل می کند، بهره وری نهایی را می کاهد.

ب- مطالعات انجام شده ی خارجی

در کشورهای مختلف تحقیقات متعددی برای بررسی تغییرات سطح اشتغال و تأثیر سیاست های مختلف بر اشتغال صورت گرفته است که از جمله می توان به تایلور^۱ (۱۹۷۶)، بانک جهانی^۲ (۱۹۷۷)، رگنولد^۳ (۱۹۸۲)، یونو^۴ (۱۹۸۹)، کانشر^۵ (۱۹۸۹)، کلمشر^۶ (۱۹۸۱)، فورسل^۷ (۱۹۸۲)، هان^۸ (۱۹۹۵)، رویزو ولف^۹ (۱۹۹۵) و گریگوری و گرینهاخ^{۱۰} (۱۹۹۶) و اشاره کرد.

لیناچ تروئت و دیل بی تروئت^{۱۱} (۲۰۰۲) با بهره گیری از تابع هزینه ی ترانسلوگ به استخراج توابع عوامل تولید (اشتغال، واردات و سرمایه) در آفریقای جنوبی پرداخته اند و نتایج حاصل از تخمین آن ها، بیان کننده ی جانشینی سرمایه با عوامل دیگر است. از سوئی، اشتغال و واردات دو عامل محسوب می شوند.

ایچ تامبو^{۱۲} (۲۰۰۱) با بهره گیری از یک تابع هزینه ی استاندارد، تابع تقاضای عوامل تولید شامل اشتغال، واردات و سرمایه را استخراج می کند. وی در پژوهش خود به رابطه ی جانشینی بین اشتغال و واردات در ژاپن پی برده و نتیجه می گیرد که کشش سهمی اشتغال در تولید با افزایش سهم واردات افزایش می یابد.

مکاکینون و شاو^{۱۳} (۱۹۷۳) در پژوهشی که برای کشورهای درحال توسعه انجام دادند به دلیل وجود محدودیت در دستیابی به منابع مالی از طریق تسهیلات اعطایی بازار پول و نیز محدودیت دسترسی به منابع مالی از طریق بازار سرمایه، به دلیل گسترش محدود این گونه بازارها، سرمایه گذاری را تابعی مثبت از موجودی واقعی فرض کرده اند؛ و با توجه به محدودیت دستیابی به منابع مالی از طریق تسهیلات اعطایی بازار

1-Tylor w. G

2-Word Bank

3-Rognold

4-Uno

5-Kutseher

6-Clements

7-Forsell

8-Han

9-Rui and wolf

10-Greyory and Greenhalghj

11-Truett and truett

12-Eiich tomura

13-Mackinnon and Shaw

پول و نیز محدودیت به منابع مالی از طریق تسهیلات اعطایی بازار پول و نیز محدودیت دسترسی به منابع مالی از طریق بازار سرمایه، به دلیل گسترش محدود این گونه بازارها، سرمایه گذاری را تابعی مثبت از موجودی واقعی فرض کرده اند؛ و با توجه به محدودیت مطرح شده، وضعیت خود را نسبت به موجودی نقدی انباشت شده، مورد ارزیابی قرار داده اند.

لیزال و سونیار^۱ (۲۰۰۲) در مقاله ای با عنوان «سرمایه گذاری، سهمیه بندی اعتبارات و تسهیلات و محدودیت بودجه» به تخمین و بررسی رابطه ی بین سرمایه گذاری و تولید برطبق اصل شتاب و با شیوه ی پانل دیتا برای کشور چک پرداخته اند.

مطالعات تجربی نشان می دهد که تسهیلات بانکی بر جریان تولید و اشتغال تأثیر مثبتی دارد. به عنوان مثال بورگس و پاندا^۲ (۲۰۰۲) در پژوهشی در هند، تأثیر افزایش شعب نظام بانکی را بر توسعه ی روستایی بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد که این شعب به تغییر ساختار تولید و اشتغال و کاهش فقر و نابرابری کمک کرده است. مونگ نارانجو و هال^۳ (۲۰۰۳) اثر دسترسی به تسهیلات بانکی بر شرکت های تولیدی را بررسی کردند. نتایج آنان نشان داد که دسترسی به اعتبارات، بر عملکرد شرکت های تولیدی و اشتغال آن ها اثر مثبت دارد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیرات اعتبارات بانکی بر اشتغال است. در جهت هدف اصلی، اهداف فرعی به قرار زیر است:

- ۱- تعیین نقش اعتبارات تکلیفی بخش های اقتصادی بر اشتغال
- ۲- تعیین نقش اعتبارات غیر تکلیفی بخش های اقتصادی بر اشتغال

فرضیه های تحقیق

فرضیه های پژوهش به قرار زیر است:

- ۱- اعتبارات تکلیفی و غیر تکلیفی، تأثیر متفاوتی بر اشتغال استان دارد.

1-Lizal and Srejnjar

2-Burges and Panda

3-Monge Naranjo and Hall

۲- اعتبارات تکلیفی بخش های اقتصادی (کشاورزی، صنعت، مسکن و خدمات) بر اشتغال استان مؤثر است.

۳- اعتبارات غیر تکلیفی بخش های اقتصادی (کشاورزی، صنعت، مسکن و خدمات) بر اشتغال استان مؤثر است.

نحوه ی جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش

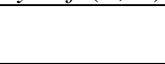
برای پاسخ گویی به این که اعتبارات تکلیفی نظام بانکی استان تا چه حد به اشتغال زایی کمک کرده است، سهم هر یک از بانک های تجاری و تخصصی از اعتبارات تکلیفی استان برحسب مبلغ برای دوره ی ۷۷-۸۵ تهیه می شود. از آن جایی که در بررسی ها، گزارش ها و منابع میزان اشتغال زایی ناشی از اعتبارات تکلیفی موجود نیست؛ در این پژوهش، اعتبارات اعطایی از محل تبصره ی ۳، تبصره ی ۲۹، تبصره ی ۱۱، اعتبارات اعطایی از سوی رئیس جمهور و اعتبارات اعطایی از محل ماده ی ۵۶ قانون برنامه ی سوم در مجموع اعتبارات تکلیفی تعریف شده است. آمار اعتبارات تکلیفی جذب شده (پرداخت شده) به تفکیک بخش های کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات به همراه آمار تعداد طرح ها و هر نفر اشتغال ایجاد شده برای دوره ی ۷۷-۸۵ تهیه شد. در این پژوهش، ارزش ارقام داده های مورد نیاز پس از گردآوری با شاخص قیمت مصرف کننده^۱ (CPI)، به ارزش ثابت سال ۱۳۷۶ تبدیل شده است.

روش تحقیق

این تحقیق، بر مبنای هدف یک نوع تحقیق کاربردی و براساس روش توصیفی و از طریق رگرسیون داده ها جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این تحقیق، یک مطالعه ی میدانی تلقی می شود. مطالعه ی میدانی بررسی های غیرآزمایشی هستند که هدفشان کشف روابط و تعامل بین متغیرها است (خاکی، ۱۳۸۱: ۲۱۶).

برای نشان دادن تأثیر سیستم بانکی بر رشد اقتصادی در استان گلستان، از تابع تولید استفاده شده است، تولید به صورت عموم تابعی از نیروی کار و سرمایه است:

$$y = f(L, K)$$



در این تحقیق نیز چنین تابع تولیدی را در نظر گرفته‌ایم که البته به صورت لگاریتمی و

$$\log(y) = \alpha + \beta_1 \log(L) + \beta_2 \log(K)$$

خطی تصریح شده است:

برای برآورد این تابع نیاز به داده‌های ارزش افزوده (y)، نیروی کار (L) و سرمایه یا اعتبارات (K) است که این داده‌ها یا به صورت مقطعی یا به صورت سری زمانی به اندازه‌ی کافی باید موجود باشد، تا بتوان ضرایب α ، β_1 و β_2 را برآورد کرد؛ اما اطلاعات و آمارهای استانی از سال ۱۳۷۹ موجود است. لذا نمی‌توان با استفاده از داده‌های سری زمانی تابع مذکور را برآورد کرد. برای برآورد مدل مذکور به صورت مقطعی مثلاً بین استانی نیز تلاش کرده‌ایم. اما به دلیل این که خواهان تأثیر سیستم بانکی به تفکیک بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و معدن، مسکن و ساختمان، خدمات) در استان هستیم، برآورد مدل از این طریق نیز به دلیل عدم وجود اطلاعات بخشی امکان پذیر نبود. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که بهترین مدل مورد استفاده برای تحقیق حاضر، روش پانل دیتا است که ادغامی از داده‌های سری زمانی و مقطعی است. در این جا مقاطع را چهار بخش کشاورزی (A)، صنعت و معدن (I)، مسکن و ساختمان (C) و خدمات (S) است و دوره‌ی زمانی ۹ سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۵ می باشد، بنابر این تعداد مشاهدات، ۳۶ مشاهده خواهد بود.

در این تحقیق، ارزش ارقام داده‌های مورد نیاز پس از گردآوری با شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) به ارزش ثابت سال ۱۳۷۶ تبدیل شده است و سپس از طریق نرم افزارهای آماری Eviews و SPss به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است.

متدولوژی و تجزیه تحلیل فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ی تحقیق از طریق اعتبارات تکلیفی (TAKlif) و اعتبارات غیر تکلیفی (NTAKlif) به قرار زیر بهره برده شده است:

نقش اعتبارات تکلیفی و غیر تکلیفی در اشتغال

انتظار می‌رود نقش تسهیلات و اعتبارات تکلیفی و غیر تکلیفی بر اشتغال متفاوت باشد، دولت در جهت اهداف ایجاد اشتغال و کاهش بی‌کاری همه ساله بانک‌ها را مکلف به اعطای

$$\log(L_{it}) = 5.7 + 0.38\log(y_{it}) + 0.05 \log(TAKLIFA) + 0.004\log(TAKLIFI) \\ (3.4) \quad (3.5) \quad (0.6) \quad (0.04) \\ + 0.01\log(TAKLIFC) + 0.06\log(TAKLIFS) \\ (0.1) \quad (0.6) \\ \bar{R}^2 = \%96 \quad D.W = 1.85$$

مدل دوم

این مدل نشان می‌دهد که تولید (y)، به عنوان متغیر مستقل می‌تواند بر اشتغال تأثیرگذار باشد و اعتبارات تکلیفی در بخش‌های کشاورزی ($TAKLIFA$)، صنعت ($TAKLIFI$)، مسکن ($TAKLIFC$) و خدمات ($TAKLIFS$) دارای ضریب معنی‌داری ولی بسیار ضعیف بر اشتغال استان دارد. حال در مدل سوم، نقش تسهیلات غیر تکلیفی بر اشتغال را نشان می‌دهیم:

$$\log(L_{it}) = 11.52 - 0.127\log(y_{it}) + 0.18 \log(NTAKLIFA) + 0.09\log(NTAKLIFI) \\ (9.75) \quad (-1.2) \quad (4.6) \quad (2.75) \\ + 0.087\log(NTAKLIFC) + 0.193\log(NTAKLIFS) \\ (2.12) \quad (4.49) \\ \bar{R}^2 = \%97 \quad D.W = 1.8$$

مدل سوم

این مدل، نشان می‌دهد که نقش اعتبارات غیر تکلیفی در ایجاد اشتغال کاملاً متفاوت با اعتبارات تکلیفی است. همان طوری که ملاحظه می‌شود اعتبارات تکلیفی مربوط به بخش‌های کشاورزی (ضریب $NTAKLIFA$ برابر $0/18$)، صنعت ($NTAKLIFI$) برابر $0/09$)، مسکن و ساختمان ($NTAKLIFC$ برابر $0/08$) و خدمات ($NTAKLIFS$) برابر $0/19$) همگی دارای ضریب مثبت و معنی‌دار هستند و در مقایسه با اعتبارات تکلیفی، این اعتبارات تأثیر بیش تری بر اشتغال استان دارد. همان طور که ملاحظه می‌شود اشتغال زایی بخش کشاورزی بسیار پایین است. بنابراین، با اعطای اعتبار، اشتغال افزایش نیافته است.

نتیجه گیری و بحث

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده در این پژوهش، به طور کلی نشان می دهد که نیروی کار در رشد اقتصادی استان بالاترین نقش را ایفا می کند و مطابق انتظارات نظری مثبت است. بنابراین، رشد اشتغال و اعمال تشویق نیروی کار به اشتغال و سیاست های اشتغال زا در استان علاوه بر این که خود، معلول رشد اقتصادی است می تواند علت رشد اقتصادی استان نیز باشد، چون اشتغال بیش تر به تولید بیشتر می انجامد.

مقایسه ی نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعات انجام شده از سوی مونگ نارنجو و هال که در سال ۲۰۰۳ انجام شد نتایج یکسانی داشته است؛ به عبارت دیگر، تسهیلات بانکی بر عملکرد شرکت ها و اشتغال اثر مثبت داشته است.

بین ارزش افزوده ی بخشی و عامل نیروی کار (اشتغال) رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد. هم چنین بین اعتبارات بخشی و میزان ارزش افزوده ی بخشی نیز رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد. اما میزان حساسیت ارزش افزوده ی بخشی استان نسبت به تغییرات عامل نیروی کار بیش از عامل اعتبارات بانکی است. در بررسی نقش تسهیلات بانک های تجاری استان به تفکیک بخشی بر روی ارزش افزوده ی استان، مدل مربوطه نشان داد که اعتبارات در بخش صنعت، تأثیر معنی داری بر ارزش افزوده ی استان دارد. ضمناً عامل اشتغال نیروی کار نیز رابطه ی معنی داری دارد. در بررسی نقش اعتبارات تکلیفی بخشی بر اشتغال مدل مربوطه نشان داد که اعتبارات تکلیفی اعطایی در چهار بخش کشاورزی، صنعت، مسکن و خدمات تأثیر معنی دار و کمی بر اشتغال استان داشته است. این مدل حاکی از آن است که ارزش افزوده ی استان به عنوان متغیر مستقل بر اشتغال به عنوان متغیر وابسته تأثیر معنی داری دارد. در بررسی نقش اعتبارات غیر تکلیفی بخشی بر اشتغال مدل مربوطه نشان داد که همه ی اعتبارات غیر تکلیفی اعطایی در چهار بخش کشاورزی، صنعت، مسکن و خدمات تأثیر معنی داری بر اشتغال استان داشته اند که در مقایسه با اعتبارات تکلیفی تأثیر آن بر اشتغال استان بیش تر بوده است.

پیشنهادها

از آن جایی که طبق مدل رگرسیون این پژوهش تسهیلات تکلیفی بخشی کشاورزی، صنعت، مسکن و خدمات تأثیر کمی بر اشتغال استان داشته است، در خصوص اعتبارات تکلیفی لازم است قلمرو پرداخت این گونه اعتبارات کاهش یابد؛ زیرا

این اعتبارات امکان ارزیابی عملکرد نظام بانکی دولتی را به عنوان یک بنگاه اقتصادی کار اقتصادی آن را کاهش می دهد. در هر حال أخذ تعهدنامه از وام گیرندگان به منظور ایجاد اشتغال به دنبال دریافت تسهیلات تکلیفی ضروری است. در خصوص أخذ تعهدنامه، پیشنهاد می شود تعهد نامه ملکی با در رهن گذاشتن محل اجرای طرح با کلیه ی مستحقات و اموال منقول و غیر منقول با نظارت کامل کارشناسان مجرب بانک در حین اجرا و پس از اجرا، حداقل پس از دوره ی تضمین از وام گیرندگان این قبیل تسهیلات أخذ شود و هم چنین می توان تعهدات دیگری مانند عدم اعطای وام سرمایه در گردش و محرومیت از خدمات بانکی دولتی را در نظر گرفت. در مقابل، اشخاصی که به درستی به تعهدات خود عمل و ایجاد اشتغال کردند در قرارداد مورد تشویق قرار گیرند که این تشویق ها می تواند شامل کاهش نرخ بهره ی بانکی و کاهش یا عدم وصول هزینه ی خدمات و کارمزد برای این قبیل از وام گیرندگان باشد.

از آن جایی که اعتبارات غیرتکلیفی بخش استان تأثیری معنی دار و بیش تر بر اشتغال دارد، لذا افزایش این گونه اعتبارات در برابر اعتبارات تکلیفی اثر مثبت و بالاتری بر اشتغال استان می گذارد.

منابع و مأخذ:

- Bakhtiari, S. and Pasban F.(2004) «The Role of Bank Loans in the Development of Job Opportunities», *Agriculture Economy and Development Journal*, Year 12, No.46, pp.73-105(in Persian).
- Burges, Rohin and Rohini Panda (2002) *Do rural banks matter? Evidence From the Indian Social Banking experiment*, march From the Indian Social Banking.
- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2004) *Economic- Social Report*, No.111, (in Persian).
- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2004) *Economic- Social Report*, No.153, (in Persian).
- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2006) *Economic- Social Report*, No.191, (in Persian).

- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2006) ***Economic- Social Report***, No.209, (in Persian).
- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2005) ***Economic- Social Report***, No.163, (in Persian).
- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2004) ***Economic- Social Report***, No.150, (in Persian).
- Economic and Planning Deputy of Golestan Province (2006) ***Economic- Social Report***, No.210, (in Persian).
- Gilchrist, S. Gertler, m. and Bernanke , B.(1996) «the Financial Accelerator and the Flight to Quality» , ***the Review of Economics and Statistis***, 1, pp. 1-16.
- Hamidi, Gh. , (2006) «The Investigation of Bank Loans on Macro Economic Variables in Zanjan Province», ***Economic Affair Research Center***, pp. 330-338 (in Persian).
- Gh.(2003) ***Research Method With a Thesis Writing Perspective Tehran***, Baztab Publication. (in Persian).
- Mahdavi, F.(2002) ***The Investigation and Analysis of the Way of granting loans in Banking System***, Mazandaran University of Sciences and Technigues (in Persian).
- Mojtahed, A. et al. (2004) ***The Role and Position of Bank Network in Tehran Province***, Development Banking and Monetary Research Center, pp. 163-174 (in Persian).
- Monge Naranjo, Alexander and Luis J. Hall (2003) ***Access to Credit and the effect of Credit Constraints on Costarican manufacturing Firms Februang***, Working Paper.
- Nessbian Shahriar and Ahmad Khalaj (2000) «the Effects of theCredits of the Argricultural Bank on macro Variables in Agricultural Sector», ***Economic Research Review Quarterly***, vol.4, No. 1,p 4.
- Razavian, mohammad taghi(2004) «the Performance of Different Sectors of Irans Economy in Producing Employment», ***Economic Research Review Quarterly***, vol. 4, No.1.